

کوردستان

ارگان کیمت مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

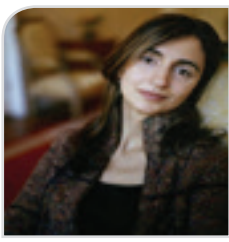
تأمین حقوق ملی خلق کرده در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۶۷۶، چهار شنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۵، ۴ مه ۱۴۰۱، ۲۰+ ۵۰۰ تومان



نقطه‌ی ضعف رژیم

۴



رؤیا حکایان، در گفتگو با «کوردستان»

۵



دیپلماسی «حکومت منطقه‌ای کردستان» با جمهوری اسلامی ایران (بخش دهم)

۶



ویژگی جنبش کرد در کرمانشاه و ایلام

۷

www.kurdistanmedia.com

همکاری متحد جمهوری اسلامی با داعش، بر ملا شد



اسناد مهمی که از گروه تروریستی داعش درز کرده، همکاری این گروه با رژیم اسد را ثابت می‌کند.

اسنادی که به شبکه تلویزیونی بریتانیایی "سکای نیوز" رسیده و روز دوشنبه در گزارش مفصلی از این تلویزیون پخش شد، نشان می‌دهد که بازپس‌گیری شهر باستانی "تدمر" از داعش بخشی از یک معامله محرمانه میان رژیم اسد و داعش بوده که از پیش ترتیب داده شده بود. داعشی‌ها در ازای خارج شدن از شهر «تدمر» اجازه یافتند که همه سلاح‌های سنگین خود را از منطقه خارج کنند.

اسکای نیوز این اسناد و مدارک را از افراد جدا شده از داعش دریافت کرده است.

این شبکه سندی را منتشر کرده که به زمان بازپس‌گیری شهر «پالمیرا» توسط رژیم اسد در ماه مارس تعلق دارد، داعش در این سند از رژیم اسد می‌خواهد که همه سلاح‌های سنگین و مسلسل‌های ضد هوایی خود را از داخل شهر به استان "رقه" در شمال سوریه انتقال دهد و رژیم اسد با درخواست داعش موافقت می‌کند.

استوارت رمزی، گزارشگر "اسکای نیوز" در این گزارش از یک داعشی جدا شده می‌پرسد آیا داعش در تحرکات خود با نیروهای وفادار به اسد، همکاری می‌کند، او پاسخ

می‌دهد، دقیقاً با هم همکاری و هماهنگی می‌کنند. داعشی جدا شده در ادامه می‌گوید که همکاری داعش با اسد در زمینه بازپس‌گیری شهر تدمر و انتقال اسلحه سنگین این گروه تنها بخشی از این همکاری‌هاست. رژیم اسد از زمان تأسیس

داعش با این گروه تروریستی همکاری تنگاتنگی را آغاز کرد. خبرنگار اسکای نیوز در گزارش مستند خود علاوه بر اسنادی که از این داعشی دریافت کرده، به اطلاعاتی که "ارتش آزاد سوریه" و عناصر نفوذی آن در استان "رقه" به این شبکه داده

شده نیز استناد کرده است. گفتنی است، از روزی که داعش کنترل استان "الرقه" را به دست گرفت تا امروز حتی یک بمب معمولی، بشکه‌ای آتش‌زا، موشک، خمپاره یا گلوله‌ای معمولی از سوی ارتش اسد حتی به طور اشتباه هم که شده

به سوی داعشی‌ها شلیک نشده است، اما در عوض رژیم اسد با حمایت متحد نزدیک خود یعنی رژیم ایران، انواع اسلحه از جمله بمب‌های خوشه‌ای، بمب‌های بشکه‌ای آتش‌زا تا اسلحه شیمیایی را بر سر مخالفان واقعی رژیم ریخته است.

رژیم ایران به میلیتاریزه کردن کردستان ادامه می‌دهد

و عراق و همچنین جنگ رژیم با پیشمرگه‌های حزب دمکرات کردستان ایران می‌اندازد. همچنین اقدامات لباس‌شخصی‌ها در داخل شهر سقز، خشم نفرت مردم و جوانان این شهر را برانگیخته است. گزارش‌های رسیده حاکیست، نیروهای لباس شخصی به طور ناگهانی اقدام به بازرسی اتومبیل‌ها، موبایل‌ها و وسایل شخصی مردم می‌نمایند. همچنین مزدوران رژیم مصطفی هجری، دبیرکل حزب مبنی بر آغاز مبارزاتی نوین در کردستان ایران و اعزام نیروهای پیشمرگه به داخل کشور جهت هماهنگی بیشتر میان مبارزات شهر و کوهستان، نیروهای سپاه پاسداران در اغلب مناطق کردستان به حالت آماده‌باش درآمده‌اند.

رژیم ایران در ادامه تلاش‌هایش برای امنیتی کردن کردستان، تمامی راه‌ها را در پیش گرفته و در همین رابطه، رفت و آمد هلیکوپترهای جنگی در سقز، امنیت مردم را در سقز و بوکان مختل نموده است. به گزارش وبسایت کوردستان میدیا، طی چند روز اخیر رفت و آمد هلیکوپتر در شهر سقز باعث نگرانی مردم شده است. این هلیکوپترها هر روز بعد از غروب آفتاب در آسمان ظاهر شده و از یادگان سقز به سوی شهرهای بانه و بوکان حرکت می‌کنند. یک منبع مطلع در این زمینه به وبسایت کوردستان میدیا اعلام نمود رفت و آمد این هلیکوپترها که از نوع جنگی می‌باشند، به گونه‌ای است که مردم را به یاد سال‌های جنگ ایران

اعتراضات مردمی به امضای قرارداد انتقال آب کارون با کره جنوبی

مطالعات دقیق کارشناسی و زیست محیطی دانسته‌اند. صدها تن از فعالان محیط زیست و روزنامه‌نگاران با ارسال نامه‌های جداگانه به سفارت کره جنوبی در کشورهای مختلف و به ویژه در تهران، مراتب اعتراض خود را به این طرح‌ها اعلام کرده و خواستار عدم مشارکت کره جنوبی در آنها شدند. یکی از این روزنامه‌نگاران در ایمیلی که نسخه‌ای از آن به زبان انگلیسی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است، خطاب به سفیر کره جنوبی گفته است: «امیدوارم به اطلاع همه تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران کره جنوبی برسانید که ما علاوه بر مخالفت شدید با این پروژه‌ها، همه مشارکت‌کنندگان در آنها را، در این جنایت علیه بشریت شریک می‌دانیم.

همزمان با سفر رئیس‌جمهور کره جنوبی به ایران، برخی رسانه‌های محلی و شبکه‌های اجتماعی، موجی اعتراضی را به منظور جلوگیری از عملیاتی شدن همکاری بین شرکت "دیلیم" کره جنوبی و شرکت‌های ایرانی برای اجرای طرح انتقال آب "بهشت آباد" در استان چهارمحال بختیاری آغاز کردند. به گزارش سایت حکومتی "تابناک"، شورای عالی آب رژیم در حالی گام‌های آخر خود را برای انعقاد نهایی اجرای پروژه انتقال آب "بهشت آباد" از حوضه آبریز کارون به حوضه آبریز زاینده‌رود آغاز می‌کند که پیشتر مرکز پژوهش‌های مجلس، سازمان حفاظت از محیط زیست و سازمان مدیریت منابع آب ایران، این طرح را فاقد

سلفن

غربت مناسبت‌های جهانی

کریم پرویزی

از روزی که جهان در حال رشد و بنیان نهادن ساختاری اجتماعی و سیاسی برای آسایش زندگی انسان‌ها بوده و مرحله به مرحله و گام به گام در اندیشه‌ی یافتن راهی برای کاستن از رنج‌ها و مصائب بشر می‌باشد، تاکنون کمتر شاهد موجودیت سیستمی همانند جمهوری اسلامی بوده‌ایم که گام به گام خط بطلان بر تمامی راه حل‌های جهانی کشیده و با هر گونه رشد و بلوغی جهان مخالفت نماید. شاید بشر تنها در دوران هجوم هخامنشیان، نرون، مغول‌ها و بربرها علیه تمدن‌های بشری، شاهد نمونه‌هایی همانند جمهوری اسلامی بوده است، البته در حال حاضر نیز "داعش" به عنوان مخلوق اندیشه‌های اسلامگرایانه‌ی افراطی همانند مکتب خمینی، به همراه جمهوری اسلامی تبدیل به دوقلوهای شرور و ویرانگر شده‌اند. در چند روز اخیر دو مناسبت جهانی را پشت سر گذاشتیم که تمامی ماهیت و مضامین نهفته در آنها، بیانگر ضدیت رژیم جمهوری اسلامی با اندیشه و خرد جهانی است. این دو مناسبت عبارتند از روز جهانی کارگر و روز جهانی آزادی مطبوعات. روز جهانی کارگر بدین دلیل تعیین شده است که تمامی انسان‌ها، اقشار و طبقات به رنج‌ها و مصائب طبقه‌ی کارگر بی‌بیرند و ده‌ها سال است که مبارزه برای عادلانه‌تر نمودن سیستم اقتصادی و کاستن از رنج‌های بخش مهمی از جامعه ادامه دارد.

روز جهانی آزادی مطبوعات نیز برای آن است که در سرتاسر جهان به آزادی اندیشه‌ی انسان‌ها احترام گذاشته شود و اگر ذره‌ای از طرز فکر سیستم سیاسی حاکم عدول نمودند و متفاوت از آن اندیشیدند، موجودیت آنان به عنوان انسان مورد بی‌حرمتی قرار نگیرد. لیکن آیا در ایران یادی از رنج‌ها و آلام کارگران می‌شود؟ گذشته از این که در سایه‌ی حکومت آخوندی، رنج‌های کارگران و ستمدیدگان ایران هزاران برابر شده است، آیا رژیم جمهوری اسلامی حتی به کارگران ایران اجازه می‌دهد که یادی از رنج‌های کارگران آمریکا در سده‌ی گذشته بکنند؟ آیا در روز جهانی آزادی مطبوعات در ایران، کسی حتی این اجازه را می‌یابد که بگوید روز سوم ماه مه، روز جهانی

ادامه در صفحه‌ی ۳

پیام تبریک مصطفی هجری، دبیر کل حزب دمکرات به رفیق کاراکوچ، رهبر جدید هاکپار



مصطفی هجری دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران در پیامی، انتخاب رفیق کاراکوچ را به عنوان رهبر جدید هاکپار، به وی و اعضای این حزب تبریک گفت.

متن این پیام بدین شرح است: جناب آقای رفیق کاراکوچ، رئیس حزب حق و آزادی (هاکپار) اطلاع یافتیم در کنگره‌ی فوق‌العاده‌ی حزب حق و آزادی که در ماه آوریل در آنکارا برگزار شد، شما به عنوان رهبر هاکپار انتخاب شده‌اید. بدین مناسبت، تبریک و شادباش خود را تقدیم می‌نماییم و امیدواریم

تظاهرکنندگان عراقی علیه رژیم ایران شعار دادند

اعلام کرد که پروازهایش به بغداد، پایتخت عراق را متوقف خواهد کرد.

تصمیم متوقف کردن پروازها از تهران به بغداد از سوی ایران



تظاهرکنندگان عراقی هوادار مقتدی صدر که روز شنبه ۳۰ آوریل منطقه الخضراء و پارلمان این کشور را تصرف کردند، با فریاد بلند علیه نفوذ رژیم ایران در عراق شعار دادند.

به گزارش العربیه، ده‌ها هزار تظاهرکننده‌ی خشمگین با فریاد "ایران از عراق خارج شو" علیه نفوذ رژیم ایران و نتایج ویرانگر و فاجعه‌بار آن بر ساختار حکومت این کشور دادند.

تظاهرکنندگان علیه حضور مداخله‌گرانه‌ی قاسم سلیمانی، فرمانده‌ی فرمانده "نیروی قدس" شاخه برون مرزی سپاه تروریستی پاسداران رژیم در عراق و دخالت تهران در امور داخلی این کشور شعار دادند.

از سوی دیگر، رژیم ایران روز یکشنبه دوازدهم اردیبهشت‌ماه

با تلاش‌های شما و همکاری تمامی اعضای رهبری حزبتان، روزبه‌روز پیشرفت بیشتری در زمینه‌ی مسأله‌ی کرد در کردستان ترکیه حاصل شود و ارتباط و دوستی میان حزب دمکرات کردستان ایران و حزب حق و آزادی پایدار و مستمر باشد.

حزب دمکرات کردستان ایران
دبیرکل
مصطفی هجری
۷ اردیبهشت ۱۳۹۵ خورشیدی
۲۶ آوریل ۲۰۱۶ میلادی

اطلاعات رژیم، فشار بر خانواده پیشمرگه‌های حزب دمکرات را افزایش داده است



وزارت اطلاعات رژیم در کردستان، اعضای خانواده پیشمرگه‌های حزب دمکرات کردستان ایران را احضار و مورد بازجویی قرار می‌دهد. به گزارش وب‌سایت کوردستان میدیا، وزارت اطلاعات رژیم در کردستان طی اقدامی خانواده پیشمرگه‌های حزب دمکرات را احضار و آنها را تهدید می‌کند. اطلاعات از خانواده پیشمرگه‌های حزب دمکرات می‌خواهد که با نهادهای امنیتی همکاری نمایند. این نهاد امنیتی رژیم همچنین از خانواده پیشمرگه‌های حزب دمکرات خواسته است تا فرزندانشان را به ایران بازگردانند.

با آغاز مبارزاتی نوین از سوی حزب دمکرات کردستان ایران، نهادهای امنیتی رژیم در کردستان از راه‌های مختلف خانواده پیشمرگه‌های حزب دمکرات تحت فشار قرار داده‌اند.

سپاه پاسداران

سلاح‌های سنگین خود را در کردستان مستقر می‌کند

پس از پیام نوروزی حزب دمکرات کردستان ایران و اعلام آغاز مبارزاتی نوین، نیروهای سپاه پاسداران با تجهیزات و ادوات سنگین و نیمه سنگین در مناطق مرزی ارومیه مستقر شده‌اند. به گزارش وب‌سایت کوردستان میدیا، نیروهای سپاه پاسداران جهت مقابله با اقدامات و تصمیمات نظامی حزب دمکرات کردستان ایران با ادوات سنگین و نیمه سنگین نظامی در منطقه ترگه‌ور از توابع شهرستان ارومیه مستقر گردیدند. به گفته یک منبع مطلع، سپاه پاسداران با استقرار تویخانه در منطقه ترگه‌ور، اقدام به میلیتاریزه کردن فضای این منطقه و راه‌های مواصلاتی کرده است. این منبع افزود: سپاه پاسداران به ساکنین بومی این منطقه اعلام کرده که تا فاصله ۴۰ کیلومتری از نقطه صفر مرزی را باید خالی از سکنه کنند. پس از اعلام پیام نوروزی حزب دمکرات توسط مصطفی هجری، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران در کوه‌های مرزی کردستان ایران، نیروهای سپاه پاسداران در اکثر مناطق کردستان به حالت آماده‌باش درآمده‌اند. دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران طی پیامی نوروزی اعلام نمود: پیام ما در عید نوروز، این است که صدا و توان خود را در کوهستان‌ها و شهرهای کردستان برای ایجاد یک نیروی قدرتمند و سرنوشت‌ساز یکپارچه نماییم که زندگانی نوینی را به دور از زیردستی و محرومیت از حقوق برایمان رقم بزند.

وی همچنین از جوانان کردستان خواست که برای آغاز یک زندگی سرفرازانه و پشت کردن به تمامی عوامل سرافکنندگی و عقب‌افتادگی، به صفوف نیروهای پیشمرگه حزب دمکرات کردستان ایران بپیوندند.

شخصیت نامدار و میهنی کردستان ایران

در استان کرمانشاه درگذشت



"کاک عبدالله نادری سبزه" شخصیت نامدار و وارسته‌ی دیار "گوران" و از بزرگمردان طایفه‌ی "قلخان‌ی" دیده از جهان فرو بست. به گزارش وب‌سایت کوردستان میدیا، کدخدا "کاک عبدالله" فرزند کدخدا "سیف الله سبزه" متولد دوم اردیبهشت‌ماه ۱۳۰۲ که در حوزه‌ی "دوشیمان" قلخان‌ی چشم به جهان گشوده از دودمان "علی قلخان" بنیانگذار طایفه‌ی "قلخان‌ی" بود، یکشنبه ۵ فروردین ۱۳۹۵ در شهر "کرمانشاه" در منزل شخصی خود در سن ۹۳ سالگی دیده از جهان فرو بست. قابل ذکر است دودمان و خانواده‌ی این بزرگوار به علت وصلت خانوادگی از حیث وسعت و گسترده‌گی در تمام طوایف و تیره‌های "جاف، کلهر، سنجابی، گوران، ..." نام و نشانی از خود داشته و دارند. در سال‌های دفاع مسلحانه‌ی مردم کردستان و پیشمرگه‌های حزب دمکرات کردستان ایران در مناطق دالاهو و حوالی آن، سپاه جادر کاک عبدالله همچون کوه دالاهو، مکانی امن و سنگری برای پیشمرگه‌ها و اکثریت کسانی بود که به ناحق چون خودش تحت تعقیب رژیم قرار داشتند. کاک عبدالله بعدها به دلیل فشارهای رژیم ناگزیر به اقامت در کرمانشاه شد و به گفته‌ی خود وی، در طول اقامتش در شهر کرمانشاه، فرزند و چند تن از برادرزاده‌ها و پسرعموهایش توسط نیروهای رژیم ترور شدند و شهرنشینی برای او غیر از احساس غربت و حسرت از دست دادن فرزند و وابستگیان ایلش نمره‌ی خاصی به بار نیاورده بود، تا اینکه در بعد ظهر یکشنبه ۵ اردیبهشت ۱۳۹۵ در شهر کرمانشاه در منزل شخصی خود در سن ۹۳ سالگی دیده از جهان فرو بست. حزب دمکرات کردستان ایران مراتب تسلیت خود را به مردم منطقه دالاهو و خانواده‌ی کاک عبدالله ابراز نموده و خود را در غم از دست دادن این شخصیت ملی و میهنی کرد سهیم می‌داند.

علیه مقامات ایران سر دادند. از سوی دیگر رسانه‌های ایران طی روزهای گذشته با انتقاد از جریان صدری‌ها اعتراضات آنها در برابر پارلمان عراق را به زبان پروسه‌ی سیاسی در عراق قلمداد کردند.

گفتنی است که رژیم ایران همواره از حکومت نوری المالکی نخست وزیر سابق عراق که در فهرست سازمان ملل به عنوان یکی از فاسدترین حکومت‌ها در جهان معروف شد، حمایت کرده و به برافروختن آتش فرقه‌گرایی در این کشور دامن زده است.

در زمان نوری المالکی شهرهای بزرگ عراق مانند موصل، تکریت و قلوجه به دست داعش سقوط کرد.

خرانه‌ی مالی عراق به غارت رفت و فساد مالی و اداری بی سابقه‌ای در این کشور رخنه کرد.

استقبال از پیام نوروزی حزب دمکرات استمرار دارد

ایران اعلام کرد، ما در جشن نوروز این پیام را به ملت کرد می‌دهیم و بر آنیم که در سال جدید این فرصت را برایتان فراهم کنیم که برای آغاز یک زندگی سرفرازانه و پشت کردن به تمامی عوامل سرافکنندگی و عقب‌افتادگی، به صفوف نیروهای پیشمرگه دمکرات کردستان ایران بپیوندید.

در ادامه‌ی این پیام آمده بود: "روشنفکران، کارگران، بازاریان و همه‌ی اقشار و طبقات جامعه لازم است همدل و همصدا علیه نقض حقوق خویش فریاد سر دهند و مکمل مبارزه‌ی آزادیخواهانه‌ی یکدیگر و مبارزانمان در کوهستان‌ها باشند".

گفتنی است که به دنبال پیام آقای مصطفی هجری و استقبال بی‌نظیر مردم کردستان از این پیام، نیروهای نظامی و نهادهای امنیتی سروکوبگر رژیم دچار وحشتی فزاینده شده و به اقدامات شتاب‌زده‌ای جهت پیشگیری از خیزش مردمی و حضور فعال پیشمرگه‌های حزب دمکرات در میان مردم کردستان دست زده‌اند.

جوانان کردستان ایران طی مدت اخیر با انتشار تصاویر و فیلم‌هایی، آمادگی خود را برای اجرای تصمیمات حزب دمکرات کردستان ایران اعلام نمودند. به گزارش وب‌سایت کوردستان میدیا، پس از پیام نوروزی مصطفی هجری، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران درباره‌ی بازگشت نیروهای پیشمرگه‌ی کردستان به داخل کشور، جوانان انقلابی و آزادیخواه کردستان در شهرهای ارومیه، سلماس، مهاباد، اشنویه، نقده، سنندج، بوکان، سقز، مریوان، پاره، کرمانشاه، ایلام و... به شیوه‌های مختلف از پیام نوروزی دبیرکل حزب دمکرات استقبال کردند.

دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران در مراسم نوروز امسال اعلام کرد، پیام ما در عید نوروز، این است که صدا و توان خود را در کوهستان‌ها و شهرهای کردستان برای ایجاد یک نیروی قدرتمند و سرنوشت‌ساز یکپارچه نماییم که زندگانی نوینی را به دور از زیردستی و محرومیت از حقوق برایمان رقم بزند.

وی خطاب به جوانان کردستان

گزارش سالانه‌ی فریدم هاوس درباره‌ی ایران



شبه‌جزیره کریمه، کوبا، گینه استوایی، اریتره، کره شمالی، سوریه، ترکمنستان و ازبکستان. کشورهایی که آزادی مطبوعات طی سال ۲۰۱۵ در آنها به نحو چشمگیری تنزل‌یافته عبارتند از بنگلادش با تنزل ۷ امتیازی، ترکیه با تنزل ۶ امتیازی، فرانسه، یمن و صربستان با تنزل ۵ امتیازی، مقدونیه و زیمبابوه با تنزل ۴ امتیازی. از جمله کشورهایی که از نظر آزادی رادیو و تلویزیون در بخش کشورهای غیرآزاد قرار دارند نیز می‌توان به افغانستان در رتبه ۱۳۶، ارمنستان در رتبه ۱۳۹، پاکستان در رتبه ۱۴۰، قرقیزستان در رتبه ۱۴۹، عراق در رتبه ۱۵۶، تاجیکستان در رتبه ۱۷۶، روسیه در رتبه ۱۷۶ و قزاقستان در رتبه ۱۸۱ اشاره کرد.

براساس گزارش سالانه‌ی مرکز پژوهشی فریدم هاوس(خانه آزادی) که روز چهارشنبه با عنوان "آزادی مطبوعات در جهان منتشر شد، ایران در میان ده کشور آخر از میان ۱۹۹ کشور جهان از لحاظ وضعیت آزادی مطبوعات قرار دارد.

به گزارش فریدم هاوس، تحت تاثیر فشارهای سیاسی، اقدامات گروه‌های تبهکار و نیروهای تروریستی برای به سکوت وادار کردن رسانه‌ها، طی سال ۲۰۱۵ آزادی مطبوعات در سراسر جهان به نازل‌ترین حد خود طی ۱۲ سال اخیر کاهش یافته است.

بر اساس این گزارش، ۱۰ کشوری که از نظر آزادی مطبوعات در سال ۲۰۱۵ بدترین وضعیت را داشتند عبارتند از ایران، بلاروس،

رژیم ایران در صدد تخریب مسجد روستای کمب چابهار بر آمد

نیروهای امنیتی رژیم ایران در ادامه سرکوب مذهبی علیه ملیت‌های ایران این بار در صدد تلاش برای تخریب مسجد روستای کمب چابهار و ممانعت از برپایی نماز در آن شد.

بر اساس گزارشات منتشره، ماموران شهرداری رژیم ایران با پشتیبانی نیروهای امنیتی رژیم مانع اقامه نماز برای نمازگزاران در مسجد سیدالشهداء روستای کمب چابهار شده و برای تخریب آن تلاش کردند که این اقدام غیر انسانی نیروهای رژیم با اعتراض مردم محل روبرو شد.به گزارش کمپین فعالین بلوچ، ماموران شهرداری رژیم در چابهار روز یکشنبه دوازدهم اردیبهشت‌ماه، با پشتیبانی نیروهای امنیتی مانع اقامه نماز در مسجد سیدالشهداء روستای کمب شده و برای تخریب آن تلاش کردند که با اعتراض مردم محل روبرو شدند. پس از این اقدام، مأموران رژیم

رژیم ایران هلاکت اعضای سپاه در سوریه را افشا نمی‌کند



مسئولان نظامی سپاه تروریستی پاسداران رژیم ایران خبر هلاکت اعضای خود در جنگ سوریه را اعلام نمی‌کنند. خبرگزاری‌های وابسته به سپاه پاسداران رژیم گزارش دادند که "جسد دو عضو سپاه که سال گذشته طی درگیری‌های سوریه کشته شده بودند را پیدا کرده‌اند".

این دو عضو سپاه پاسداران "الیاس چگینی و زکریا شیری" از اعضای تیپ سپاه "صاحب الامر" قزوین می‌باشند که آذرماه سال گذشته در استان حلب سوریه کشته شده بودند، اما خبر مرگ آنان اکنون تأیید شده است.

خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران رژیم ایران، روز جمعه، سوم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۵ خورشیدی، اعلام کرد که سه عضو افغانی وابسته به سپاه پاسداران این رژیم، به نام‌های "اسدالله حسینی، کاظم توسلی و مرتضی رجبی" در درگیری‌های سوریه کشته شده‌اند. چندی پیش نیز اسامی ۱۱ افسر که در حومه شهر حلب کشته شده بودند، از

ادامه ی سخن

آزادی مطبوعات است؟

در روز جهانی کارگر، روحانی، کلیددار ریاکار جمهوری اسلامی با اتومبیل ضد گلوله‌ی میلیاردی خود از یک کارخانه بازدید می‌کند! در روز جهانی آزادی مطبوعات نیز گزارشی از خانه‌ی آزادی در آمریکا منتشر می‌شود که رژیم ایران را در صف نخست سانسور و سرکوب آزادی بیان در جهان معرفی می‌کند.

اینجاست که درمی‌یابیم مناسبت‌های جهانی در ایران با چه غربتی دست و پنجه نرم می‌کنند و سیستم زمامداری ایران تا چه اندازه با روند تحولات جهانی ناسازگار است.



به این اقدام "مسئولان" دولتی اعتراض کرده و خواستار رفع مسدود شدن راه مسجد شده‌اند. روستای کمب در ۵ کیلومتری شهرستان چابهار واقع شده است. در ایران، همه مذاهب غیر حکومتی با درجات مختلفی

با تبعیض‌های دولتی در انواع زمینه‌ها از جمله استخدام، تحصیل و سکونت مواجه بوده و در این راستا مسئولان رژیم نیز به صورت سیستماتیک به سرکوب ملیت‌های ایران ادامه می‌دهند.

مرگ مسن‌ترین معلم جهان در کردستان



مرگ مسن‌ترین معلم جهان که متولد کرمانشاه است در روز معلم، رسانه‌ای گردید. به گزارش آژانس خبررسانی کردپا، حسن کیهانی با ۱۱۵ سال سن که به عنوان مسن‌ترین معلم جهان شناخته می‌شد، دی‌ماه سال گذشته در سکوت رسانه‌ها چشم از جهان فرو بست.

دختر این معلم پیشکسوت با تأیید درگذشت پدرش گفته است: پدرم در دیمه سال ۹۴ در حالی همه ما را ترک کرد که مسئولین آموزش و پرورش هم او را فراموش کرده بودند. روح انگیز کیهانی در گفتگو با وب‌سایت البرز ۲۴ اعلام کرد: مقامات آموزش و پرورش حتی در مراسم خاکسپاری پدرم شرکت نکردند.

نخستین بار ۱۵ اردیبهشت ۹۳ و همزمان با هفته معلم بود که حسن کیهانی در شبکه ۳ تلویزیون رژیم، به عنوان مسن‌ترین فرد عرصه‌ی تعلیم و تربیت معرفی شد.

در آن زمان آقای کیهانی، معلم را "شریف‌ترین انسان روی

زمین" توصیف کردند.

لازم به ذکر است که در همان سال، نادیا حسینی‌پور دختر ۱۶ ساله‌ی کرد هم به عنوان جوان‌ترین معلم ایران معرفی شد.حسن کیهانی سال ۱۲۷۹ در کرمانشاه متولد و سپس موفق به اخذ مدرک ششم ابتدایی می‌شود. او دارای ۲ دختر و سه پسر است و نخستین استخدامی ایشان در شهر سنقر کلیایی و سپس کنگاور بوده است.

این معلم کرد در سال ۱۳۴۴ با سابقه‌ی ۳۰ ساله، بازنشسته شد.او چند سال قبل در گفتگو با رسانه‌ها اعلام کرد که اولین حقوق بنده ۱۰۲ تومان و بیشترین میزان آن نیز ۹۰۰ هزار تومان بوده است.از ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۰ که ابوالحسن خانعلی در تظاهرات صنفی معلمان در تهران کشته شد، این مناسبت در ایران "روز معلم" خوانده می‌شود. رژیم ایران مناسبت این روز را سالگرد کشته‌شدن مرتضی مطهری عنوان می‌کند که در شب ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ اتفاق افتاد.

دختر کُرد بر اثر انفجار مین قطع عضو شد

پار دیگر وجود مهمات جنگی و مواد منفجره در مناطق مسکونی کردستان به قیمت جان شهروندان تمام شد.

به گزارش آژانس خبررسانی کردپا، ظهر روز دوشنبه سیزدهم اردیبهشت‌ماه انفجار یک قبضه مین بجای مانده از دوران جنگ ۸ ساله‌ی ایران – عراق، مجروحیت شدید یک دختر ۲۴ ساله را در پی داشت.

هویت این قربانی "هاجر واحدی" می‌باشد که حادثه به قطع پای چپ از ناحیه‌ی مچ انجامیده است. گزارش رسیده حاکی از آن است که به دلیل "نبود تجهیزات پزشکی" در سقز، هاجر به مراکز درمانی شهر سنندج انتقال می‌یابد.

منابع خبری کُردپا گفتند که این دختر به منظور جمع‌آوری گیاهان بهاری، عازم کوهستان‌های اطراف روستای "پیر عمران" از توابع بخش مرزی سقز شده که بر روی مین می‌می‌رود.

عدم رسیدگی مناسب به مصدومان مین، نبود ساز و کار مناسب برای آگاهی‌رسانی از خطرات آن و نیز نبود علامتگذاری مناطق مین همانند تابلوی هشدار، سیم خاردار و موانع بتونی، آمار قربانیان ناشی از انفجار مین را دوچندان کرده است.

اطلاعات رژیم ۱۶ فعال کارگری را

در کُردستان بازداشت کرد



در آستانه‌ی روز جهانی کارگر حداقل ۱۶ فعال این عرصه در شهرهای سنندج و سقز بازداشت شده‌اند. به گزارش آژانسِ خبررسانی کُردپا، از اواخر هفته‌ی گذشته نهادهای امنیتی کردستان در راستای ممانعت از برگزاری روز کارگر اقدام به بازداشت فله‌ای اعضای انجمن‌های مدافع حقوق کارگران کردند.

روز نهم ماه جاری، عباس اندریانی و مظفر صالح‌نیا به حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی سنندج احضار شده و درباره مراسم ویژه روز کارگر مورد بازجویی قرار گرفتند. مأموران امنیتی این دو را از "اقدام و شرکت" در روز اول ماه مه برحذر داشته‌اند.

همزمان با برگزار مراسم این روز در ایران، ۵ تن از فعالین کارگری در تجمع مقابل خانه کارگر سنندج بازداشت و شامگاه همان روز ۳ تن از آنها با تودیع وثیقه آزاد شدند.

اسامی بازداشت‌شدگان مقابل خانه کارگر سنندج، یدالله صمدی، لطف‌اله احمدی، زاهد مرادی، نادر رضاقلی و حسین حسن‌آبادی اعلام شده است. تاکنون از سرنوشت یدالله صمدی و زاهد مرادی اطلاع دقیقی در دسترس نمی‌باشد. همچنین از سقز نیز گزارش رسیده که نیروهای اطلاعاتی این شهر اقدام به بازداشت ۹ فعال کارگری کرده‌اند که ساعتی را در بازجویی بسر برده‌اند. سیدجلال حسینی یکی از احضارشدگان شهر سقز می‌باشد که روز گذشته پس از چند ساعت بازجویی، آزاد گردید.

پنج فعال دیگر سقزی که در مسیر "پارک کوثر" واقع در جاده کمربندی توسط مأموران امنیتی بازداشت شدند عبارتند از؛ محمد عبیدی‌پور، آزاد احمدی، احمد عبیدی‌پور، صدیق محمدی و پدرام عبیدی پور.

کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری در این باره اعلام کرد: محمد عبیدی‌پور و صدیق محمدی به ستاد خبری انتقال داده شده و آزاد احمدی، احمد عبیدی پور و پدرام عبیدی پور آزاد شده‌اند.

همین منبع در ادامه از احضار تلفنی رحمان کاردار، حسین مرادی و سید انور معطر به ستاد خبری اداره اطلاعات سقز خبر داد.

به نوشته کمیته‌ی هماهنگی، این سه تن باید روز یکشنبه، دوازدهم اردیبهشت‌ماه خود را به اطلاعاتِ سقز معرفی می‌کردند. احضار و بازداشت فعالین کارگری در کردستان همزمان گشته با برگزاری مراسمات دولتی روز کارگر در تهران که نبود امنیت شغلی، قراردادهای موقت و بیمه از مهم‌ترین مطالبات این طبقه عنوان شد.با استناد به مرکز آمار آژانس خبررسانی کُردپا، سال گذشته ۲۳ کارگر کُرد بازداشت، ۱۷ تن زندانی و ۱۳ تن دیگر به نهادهای امنیتی احضار شده‌اند.

نقطه‌ی ضعف رژیم

رنج و مصیبت ادامه دادند تا تسلیم خواست‌های سپاه پاسداران و رژیم استبدادی نشوند. از سوی دیگر، نیروهای اطلاعاتی و پاسداران که خود از طریق قبضه

عاید آنان می‌گردد، اینک و به ویژه در یک سال اخیر که وضع سیاسی منطقه دستخوش تحولاتی شده و پارامترهای جدیدی مطرح شده‌اند و به ویژه جنبش رهایی‌بخش کردستان ایران به تحرکات

وحشت از نیروهای سیاسی کرد، آن را به چشم‌پوشی از درآمدهای میلیاردي این تجارت مرزی پرسود واداشته است. لیکن مسدود نمودن مرز و بازارچه‌های مرزی به همین سادگی نبوده و زندگی

اعتصابات چشمگیری روی داد و حتی تظاهرات و تجمعات اعتراضی مردم را در پی داشت. در این میان علیرغم تمامی تلاش‌های مقامات گوناگون رژیم، از اعضای مجلس و شوراهای شهر

و تأکید آنان بر پیگیری خواست‌های ساده و برحق خویش، رژیم را دچار یأس و نومیدی نمود، به طوری که مقامات رژیم اعلام نمودند که وزارت کشور اجازه داده است تا مرزها برای مدت یک ماه باز باشند. گرچه این تصمیم رژیم موقتی و برای یک ماه می‌باشد و شاید با توسل به انواع حیل‌ها بکوشند تا در همین یک ماه نیز به وعده‌های خود عمل نکنند، لیکن خود همین تصمیم نشان داد که رژیم جمهوری اسلامی نقطه ضعف اساسی و بسیار مهمی دارد. نقطه ضعف رژیمی همچون جمهوری اسلامی که با انشاعی تروریسم در منطقه، آشوب بزرگی به راه انداخته و مدعی امنیت و ثبات در داخل مرزهای خویش می‌باشد، همانا در شهرهای کردستان است. رژیم دیکتاتور و مستبدی همچون جمهوری اسلامی از مردم و شهرهای کردستان وحشت دارد. تجربیات گذشته و این بار نیز نیز ثابت نموده است که هرگاه جامعه و مردم شهرهای کردستان به حرکت و جنبش درآیند و مواضعی یکصدا، منسجم و قاطعانه اتخاذ نمایند و به صورت توده‌ای یا به عرصه‌ی مطالبه‌ی حقوق و آزادی‌هایشان بگذارند، رژیم هر اندازه هم که تهدید کرده باشد، باز هم عقب خواهد نشست و سنگر را ترک خواهد نمود. باشنه‌ی آشیل و نقطه ضعف رژیم استبدادی جمهوری اسلامی، بیان اعتراضات مردمی و همصدایی مردم و به ویژه مردم شهرهاست. شهر به عنوان سنگر بزرگ و مستحکم مبارزه‌ی حق‌طلبانه و آزادیخواهانه، قدرت متزلزل رژیم را ناگزیر به عقب‌نشینی نماید. دیکتاتور هر اندازه هم که به خود بیبالد و با هیاهو و جنجال چنین وانمود کند که زمامداری آن ابدیست، نهایتاً یا به حرکت درآمدن مردم، ناگزیر باید در جستجوی مأمن و مفری برای خود برآید.



گرفته تا فرماندار، نماینده‌ی ولی فقیه و... می‌کوشیدند تا با تهدید و تطمیع دادن وعده‌های دروغین و... مردم را ر اعتصاب بازدارند و مسأله را به زودی خاموش نمایند. لیکن موضع منسجم و مدنی مردم و بازتاب این موضعگیری و اقدام متمذنانه‌ی مردم کرد در رسانه‌ها

روزانه‌ی ده‌ها هزار نفر از مردم در چندین شهر کردستان به این مرزها وابسته است و این قبیل تهدیدات رژیم علیه زندگی و معیشت مردم، نارضایتی و اعتصاب بازاریان را به دنبال داشت و در شهرهایی همچون بانه، سردشت، پیرانشهر و مریوان، اعتراضات و

جدیدی دست زده است، دیگر دادوستد و قاچاق در مرزها از جایگاه سابق برای رژیم برخوردار نیست و در هراس از به لرزه افتادن امنیت پوشالی و کاذب خود، دستور تعطیلی بازار و مسدود نمودن راه‌های عبور و مرور کاسبکاران مرزی در کردستان را صادر نموده و

نمودن بازار تجارت قاچاق، ده‌ها میلیارد دلار درآمد به جیب زده‌اند، با توسل به قوه‌ی قهریه به اخاذی از مردم پرداخته و هم آنان را هدف تیراندازی قرار داده و هم به بهانه‌ی امنیتی بودن منطقه، بودجه‌ی کشور را حیف و میل نموده و سود گسترده‌ای از این ناحیه

ترکیه جدید و قانون اساسی جدید!

با این روند چنانچه کشور خواهان یک سیستم اداری جدید نظیر آمریکا یا فرانسه بود به راحتی می‌توانستند با مشارکت دادن همه‌ی آحاد جامعه آن را در قانون اساسی جدید درج نمایند. لیکن گرفتاری‌ها و مسائل نوین، اوضاع را دگرگون ساخت. از این رو تغییر قانون اساسی اگر با تداوم مشکلات داخلی ترکیه و تنها توسط حزب عدالت و توسعه و بدون همکاری احزاب پارلمانی و سایر قشرهای جامعه و نمایندگانش انجام پذیرد، تنها می‌تواند همانند اساننامه‌های قبلی تنظیم شود و در نهایت همان قالب تنگ و غیر دمکراتیک قوانین اساسی گذشته ترکیه را به خود بگیرد. لایحه پیشنهادی دولت به مجلس مبنی بر برداشتن حق مصونیت نمایندگان حزب دمکراتیک خلق‌ها، پیشنهاد رئیس مجلس مبنی بر جایگزینی قانون اساسی مذهبی و حذف لائیسیت، دارد ترکیه را از یک کشور لائیک و سکولار به سوی یک دیکتاتوری اسلامی سوق می‌دهد. هرچند که مقامات دولتی از جمله داود اوغلو سخنان رئیس مجلس را درمورد اسلامی کردن قوانین رد کرده و بر پایبندی به سیستم لائیسیته تأکید کرده‌اند، لیکن بدون تأمین حقوق اساسی ملیت‌ها و به ویژه ملت کرد در قانون اساسی جدید، مشکلات ادامه یافته و حکایت همچنان باقی خواهد بود.

روبرو کرده و سد راه رسیدن به یک قرارداد اجتماعی جامع برای ایجاد قانون اساسی جدید در این کشور می‌باشد. اردوغان قبل از آخرین دوره انتخابات پارلمانی، از احزاب اپوزیسیون و نهادهای غیر دولتی و آکادمیسین‌ها خواست که با دولت در تهیه‌ی پیش‌نویس قانون اساسی جدید همکاری نمایند.

خشونت‌آمیز با روزنامه‌نگاران و روشنفکران، توقیف و سانسور رسانه‌های گروهی، نقض آزادی بیان، آزادی مطبوعات و محدود کردن فعالیت احزاب سیاسی، زندانی کردن آکادمیسین‌ها، نخبگان دانشگاه‌ها و جامعه که برای یک صلح پایدار و از بین بردن جنگ داخلی تلاش می‌کنند، معضلاتی هستند که دولت را با چالش جدی

جدید حل آنها را مد نظر قرار دهد، حل مسأله‌ی کرد، مسائل مذهبی و اتنیکی، بیکاری ۱۲ درصدی جوانان و افزایش روزافزون جیره‌بگیران بر آمار ۱۶ میلیونی جیره‌خواران کوینی، حقوق کارگران، زنان، کودکان و سایر گروه‌هایی است که دارای سندیکا و یا نمایندگی رسمی نمی‌باشند.

علاوه بر این چالش‌ها، برخوردهای

حزب عدالت و توسعه به وجود آمده‌اند.

اکنون اردوغان و حزب متبوعش در حالی مشغول تنظیم قانون اساسی جدید هستند که دولتش با مسائل داخلی متعددی روبروست که چاره‌یابی هر یک از این معضلات دشواری‌های خود را دارد. از جمله مشکلاتی که اردوغان ناچار است در تنظیم قانون اساسی

کریم پرویزی
م: سلام اسماعیلپور

طی مدت اخیر مقامات نظامی و امنیتی رژیم تصمیم گرفتند که نقاط مرزی کردستان به ویژه مناطقی را که رفت و آمد و بازار و دادوستد در آنها بیشتر جریان دارد، مسدود نمایند و بازارچه‌های نیمه‌رسمی شهرهای مرزی کردستان را تعطیل نمایند.

وضعیت اقتصادی و زندگی روزمره‌ی مردم کردستان به دادوستد و بازارچه‌های مرزی وابسته است. این وابستگی ناشی از عوامل متعددی است که از جمله‌ی آنها می‌توان به فقدان کارگاه‌ها و کارخانجات بزرگ و مراکز اقتصادی و همچنین بی‌اعتنایی حکومت به بخش کشاورزی و دامداری در کردستان و عدم توجه به بخش توریسم و مناطق گردشگری و آثار تاریخی کردستان اشاره نمود. پروژه‌های بزرگی همچون سدسازی و راهسازی کاملاً در انحصار سپاه پاسداران قرار دارد.

این مسأله و برخی مسائل دیگر مجموعاً دست به دست هم داده و سیاست کلی رژیم جمهوری اسلامی ایران در کردستان را در زمینه‌ی اقتصادی شکل داده است که می‌خواهند کردستان را در وضعیت ضعف اقتصادی و انقیاد نگه دارند تا هر زمان که لازم بود با مسدود نمودن شاه‌رگ‌های حیاتی معیشت مردم کردستان، آنان را مطیع و ناگزیر به پذیرفتن سیاست‌های رژیم نمایند. در چند سال اخیر، مردم راه دادوستد در مرزها را پیدا کرده و تمامی مشکلات این راه را به جان خریدند و حتی تیراندازی مستقیم نیروهای رژیم علیه کاسبکاران را تحمل نمودند و علیرغم کشته شدن ده‌ها کولیر، همچنان به این نوع امرار معاش ملامال از

ابراهیم قاسمی‌زاد

ترکیه نیاز مبرم به تغییر قانون اساسی دارد، زیرا هم انتظارات جامعه و هم شرایط بین‌المللی و منطقه‌ای این تغییر را در صدر نیازهای اساسی ترکیه قرار می‌دهد.

قانون اساسی فعلی ترکیه به مثابه خیابان‌های باریک شهری می‌ماند که با افزایش خودروها ظرفیت ترافیک سنگین را ندارند. ترکیه نیاز به اساننامه‌ای جدید دارد که با قراردادی نوین بین همه‌ی آحاد جامعه در همکاری با سازمان‌های غیر دولتی آماده شود و در تصویب آن نمایندگان ملل ساکن در کشور، همچنین همه قشرهای جامعه و سندیکاها حضور داشته باشند.

ترکیه از دوران عثمانی تاکنون شاهد تنظیم پنج قانون اساسی بوده که اولین آن در سال ۱۸۷۶ توسط سلطان عثمانی و آخرین مورد آن در سال ۱۹۸۲ بعد از کودتای نظامی ژنرال کنعان اورن تصویب شد. کودتاجیان با تصویب قانون اساسی جدید اجازه کار و فعالیت اکثر سندیکاها و احزاب سیاسی جامعه آن زمان را لغو نمودند. از آن تاریخ تا کنون احزاب و حکومت‌های متوالی تنها با الحاق تبصره و مواد جدید به قانون اساسی امور کشور را اداره کرده‌اند و هر از گاهی تغییرات جزئی به وجود آورده‌اند. اکثر این تغییرات از سال ۲۰۰۲ و ۲۰۰۴ با روی کار آمدن



رؤیا حاکایان، در گفتگو با «کوردستان»:

حکم می‌کونوس از بزرگترین شکست‌های رژیم ایران طی ۳۸ سال حاکمیت است

گفتگو: غالب حبیبی

و پژوهش‌هایی، مصاحبه‌ای با نویسنده‌ی کتاب که در کشور آمریکا زندگی می‌کند، انجام داده که متن آن بدین شرح است:

کوردستان: قبل از آشنایی با یکی از نجات‌یافتگان رویداد ترور می‌کونوس، شناخت شما از کردها در چه حدی بود؟

ر.حاکایان: آشنایی من با کردها، پیش از نوشتن کتابم، اندک بود. اما من از دوران نوجوانی به موضوع و فرهنگ کردها بسیار علاقه‌مند بودم. به نوای موسیقی کُردی گوش می‌دادم از جمله "شوان پرور"، خواننده‌ی محبوب من بود. در کل من با مشکلاتی که کردها به عنوان یک اقلیت با آن دست به گریبان بودند همیشه حس همدردی داشتم، اما در مورد تاریخ کردها مطالعه‌ای نداشتم.

کوردستان: از مقدمات و آمادگی‌ها برای نوشتن کتاب "قاتلان قصر فیروزه" بگویید؟

ر.حاکایان: یکی از بازماندگان ترور در رستوران می‌کونوس، "پرویزدستمالچی"، برای چند هفته میهمان ما بود. من و پرویز دستمالچی روزها با همدیگر به پیاده‌روی می‌رفتیم و ساعت‌ها گفتگو می‌کردیم.

طی این گفتگوها پی بردم که تمام ماجرای ۵ ساله‌ی می‌کونوس حتی برای خود ایرانی‌ها نیز ناشناخته مانده، به عبارتی دیگر، در هیچ جای تاریخ، وقت، روز، زمان قتل به درستی ثبت نشده و این دلیلی شد تا من به نگارش کتابی در رابطه با این موضوع بپردازم. پیش از تصمیم نهایی من برای نوشتن این موضوع، به برلین سفر کردم و با برخی از افراد مهم و

اصلی درباره‌ی این موضوع از جمله "سارا دهکردی"، حمید نوروزی"، "شهره همسر نوری دهکردی"، "هانس جویچیم اهریچ" و "برونو جوست" ملاقات نمودم تا بالاخره به این نتیجه رسیدم که پی بردن به ماجرای می‌کونوس برای تاریخ و ادبیات ما بسیار لازم و حیاتی است، ضمن اینکه دنبال کردن این ماجرا برای من بسیار جذاب و هیجان‌انگیز بود.

ناگفته نماند من دارای دو فرزند خردسال بودم و سفر از آمریکا به آلمان برای تحقیق و مصاحبه، کاری آسان نبود، ولی تصمیم به انجام آن گرفتم و با وجود همه‌ی مشقات و سختی‌ها از این تصمیم و نتیجه‌ی کار راضی هستم.

کوردستان: برداشت خود شما از ترور می‌کونوس چیست؟

ر.حاکایان: برداشت من از این ترور فراوان است. در درجه‌ی اول من بر این عقیده‌ام که پیروزی دادگاه می‌کونوس درس مهمی برای جامعه‌ی اروپا بود تا بدانند که اطمینان و باور به رژیم تروریستی ایران حاصلی جز ترور و کشتار به دنبال نخواهد داشت و بهترین راه ایستادن در مقابل رژیم ایران و خشونت‌های اعمال شده از جانب آن، تنها اقدام از طریق دادگاه و قانون میسر می‌باشد. تا سال ۱۹۹۶

برخورد گنگ و پر از ابهام و تا حدی مماشات‌آمیز جامعه‌ی اروپا در برابر ایران هیچ حاصلی نداشت، ولی در سال ۱۹۹۷ هنگامی که تمامی اروپا در برابر رژیم ایران قد علم کردند و ایستادند، رژیم ایران دیگر راهی جز عقب‌نشینی و دست کشیدن از سلاح همیشگی

خود (ترور) نداشت. این مهمترین و کلیدی‌ترین بخش برای پی بردن به نقش قانون در این زمینه می‌باشد. **کوردستان:** در جایی گفتید که قضیه‌ی می‌کونوس همچون داستان فیل مولاناست. تفسیر شما از واقعیت این رویداد چطور می‌باشد؟

ر.حاکایان: ترور می‌کونوس یک موضوع پیچیده و مهم است. به نظر من جا دارد که ده‌ها کتاب دیگر درباره‌ی این موضوع نوشته شود، زیرا بسیاری از جوانب آن هنوز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. به عنوان مثال چرا پس از ترور عبدالرحمان قاسملو مسأله‌ی حفظ جان و امنیت رهبران کرد، تبدیل به یک اولویت نشد؟ چرا با وجود هزینه‌ی زیادی که کردها طی ۳۸ سال حاکمیت رژیم ایران داده‌اند، هنوز روشنفکران در ایران به مسأله‌ی کردستان بی‌توجه و سهل‌انگار هستند؟

چرا وقتی در تهران شیرین عبادی دستگیر می‌شود، همه‌ی رسانه‌ها در مورد آن به بحث و صحبت می‌پردازند، اما سخنی از این به میان نمی‌آورند که چرا کردها دائماً در سکوت و انزوا به سر می‌برند و از ستم و بی‌عدالتی که دامنگیر آنهاست، رنج می‌برند؟

کوردستان: از دو دادستان دادگاه می‌کونوس به ابتکار شما در آمریکا تجلیل گردید. به نظر شما دستگاه قضایی آلمان تمام و کمال حق را به حق‌دار داده است؟

ر.حاکایان: به نظر من دادگاه برلین تا آنجا که امکان داشت اهداف کار را در آن مقطع زمانی به پیش برد و به نحو احسن وظیفه‌ی خود را به انجام رسانید، اما با نهایت تأسف جامعه‌ی اپوزیسیون

ایرانی نتوانست حکم دادگاه می‌کونوس را روشن و شفاف‌سازی نماید و بیشتر علت‌یابی‌کند. مسلماً اگر چنین حکمی در آن زمان که کنفدراسیون دانشجویان ایرانی بر ضد شاه فعال بود و حضور پررنگ داشتند، صادر می‌شد، تمام دنیا در مورد آن خبررسانی می نمودند، لیکن به نظر من اپوزیسیون سال ۱۹۹۷ ابتکار عمل لازم را در آن مقطع زمانی نداشت.

کوردستان: چندی قبل علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی از این پرونده با عنوان "قضیه‌ی قهوه‌خانه می‌کونوس" یاد کرد. تبعات سیاسی حکم دادگاه برای نظام حاکم بر ایران چه می‌تواند باشد؟

ر.حاکایان: مسلماً خامنه‌ای و دارودسته‌اش از هر نوع لحن تحقیرآمیزی استفاده می‌نمایند تا از اهمیت موضوع بکاهند. در پاسخ به این نوع حرف‌ها از جانب رژیم ایران، کردها و ایرانیان سکولار همه باید یکصدا دست به دست هم داده و حقیقت را سینه به سینه از نسلی به نسلی دیگر بازگو نمایند. از یاد نبردن و به دست فراموشی سپردن این موضوع بسیار مهم است. باید رژیم ایران را از این امکان محروم نمود که می‌توان تاریخ را به روایت سردمداران رژیم و آنگونه که مصلحت سیاسیشان ایجاب می‌نماید، روایت کرد. تنها در این صورت است که می‌توان به جای اینکه از خامنه‌ای به عنوان رهبر روحانی شیعه نام برد، چهره‌ی واقعی او و نام واقعی او را به عنوان یک قاتل به همگان شناساند و نام برد.

حکم می‌کونوس از بزرگترین شکست‌های رژیم ایران طی ۳۸ سال حاکمیت است و باید اهمیت آن را همیشه یادآوری نمود و مورد بررسی قرار داد.

کوردستان: پس از "قاتلان قصر فیروزه" فهم شما از شخصیت شهید دکتر صادق شرفکندی چگونه می‌باشد؟

ر.حاکایان: من بر این باورم که شرفکندی و قاسملو می‌توانستند در اپوزیسیون نه تنها به عنوان رهبر کردها، بلکه رهبری کل ایرانیان را در دست داشته باشند. از دست دادن این دو ستون سیاسی کرد ضربه‌ی بزرگی برای همگان بود.

کوردستان: به عنوان یک روزنامه‌نگار سرشناس، آیا فکر می‌کنید که ماشین ترور جمهوری اسلامی آنچنان که باید و شاید در نزد غربی‌ها (مردم) شناخته شده است؟

ر.حاکایان: غربی‌ها هنوز در این فکر به سر می‌برند که خطر اصلی رژیم ایران متوجه آنهاست نه کردها، در حالی که اپوزیسیون ایرانی سال‌هاست مورد تهدید هستند.

کوردستان: آیا باز هم به دنبال مکتوب کردن وقایع تلخ یا شیرین مرتبط با کردستان و کردها هستید؟

ر.حاکایان: پرداختن به موضوع کردها در شرایط بسیار بحرانی امروز و منطقه‌ی کاری بسیار دشواری می‌باشد. مقاومت کوبانی برای من بسیار تحسین‌برانگیز است و این روزها بیشتر اخبار کردها را با علاقه و اشتیاق دنبال می‌نمایم، اما چیزی برای نوشتن در دست ندارم.

«رویا حاکایان» را می‌توان از موفق‌ترین مهاجران ایرانی در نظر گرفت که بعد از مهاجرت در نوجوانی با غلبه بر سختی‌های زندگی در تبعید و بی‌گیری علایق و دل‌بستگی‌هایش توانست کتاب‌های محبوب و پرفروشی خلق کند و به عنوان روزنامه‌نگار و برنامه‌ساز تلویزیونی مطرحی در کشور جدیدش، آمریکا شناخته شود.

البته در تمام این سال‌ها علی‌رغم بعد مسافت، وی از سرزمین مادری‌اش نبریده است و همیشه مهر آن را در دل دارد. رویا حاکایان در ۲۷ مهر ۱۳۴۵ در خانواده‌ای فرهنگی در محله میدان ولیعصر تهران دیده به جهان گشود، خانواده او از یهودیان شناخته شده و مورد احترام این جامعه بودند.

مادر رویا، هلن نام داشت و پدرش از اولین فارغ‌التحصیلان دانشکده افسری بود که بعدها شغل معلمی و مدیری را در پیش گرفت. رویا آخرین فرزند و تک‌دختر این خانواده در کنار سه برادر بزرگ‌تر بود. در دوران کودکی رویا، مدارس یهودی متعددی در سطح شهر تهران و دیگر نقاط کشور مشغول فعالیت بودند. رویا هم تحصیلات ابتدایی خود را در یکی از همین مدارس به نام «مجد دانش» که به مدیریت پدر اداره می‌شد، آغاز می‌کند و طی سالیان بعد نیز در دیگر مدارس یهودیان در سطح شهر، تحصیلات خود را مانند سایر کودکان پی می‌گیرد. با روی کار آمدن انقلاب، رویا و مادرش در سال ۱۳۶۳ مجبور به خروج از ایران می‌شوند تا این که پدرش بعد به آن‌ها ملحق می‌شود. رویا و مادرش به اروپا می‌روند و یک سال را با سختی زندگی پناهندگی و بلا تکلیفی دست و پنجه نرم می‌کنند تا اینکه بالاخره به ایالات متحده مهاجرت کرده و در این کشور ساکن می‌شوند. با ورود به آمریکا و سکونت در نیویورک، رویا وارد کالج این شهر شده و تحصیلات خود را در رشته روان‌شناسی از سر می‌گیرد و سپس موفق به اخذ مدرک فوق لیسانس در رشته مددکاری اجتماعی از کالج «هانتز» می‌شود. رویا از همان دوران نوجوانی علاقه زیادی به شعر و ادبیات داشت و آثار متعددی نیز در زمینه نقد ادبی نگاشته است.



دیپلماسی "حکومت منطقه‌ای کردستان" با جمهوری اسلامی ایران (بخش دهم)



پرویز جباری

۶- عدم بهره گیری از پتانسیل‌های سرزمینی و حقوقی

حکومت منطقه ای کردستان فراتر از مرز کنونی خود، فرصتها، مزیتها، گستردگی های هویتی از لحاظ ملی، آیینی، تاریخی، پراکندگی جمعیتی و جغرافیای تنوع خاص خود را دارد. این مزیت ها و فرصت ها به عنوان ژئوپولیتیک کردها باید در مناسبات و روابط دیپلماتیک در راستای تأمین حقوق ملی کردها و کارت های تأثیرگذار و نتیجه بخش، با حفظ موقعیت، اهمیت ملی و جایگاه ملی به بهترین نحو ممکن به کار گرفته شوند. مقاومت و تلاش سالهای متمادی از پتانسیل‌های ممکن هستند که میتوانند برای کردها در عرصه‌ی دیپلماسی از اهمیت جهانی و انسانی برخوردار باشند. تاکید، آموزش، تبلیغ و معرفی این هویت به عنوان یک ارزش انسانی و جغرافیایی - تاریخی باید از طریق نهادها و مراکز مختلف در عرصه‌ی ارتباطات معرفی گردند. بدون شک از طریق نهادهای اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و حقوقی میتوان ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های این ملت و سرزمین کردها را به عنوان یک گفتمان عاری و فاقد خشونت که یک نوع زندگی و حیات مسالمت‌آمیز را در یک منطقه‌ی ایدئولوژی‌زا و خشونت‌گرا به قدمت تاریخ با مقاومت و مبارزه خود در برابر استبداد و ارتجاع در تمام زمینه‌ها صیانت نموده است، به نمایش گذاشت و معرفی کرد. بی شک به دلایل بی‌شمار این ظرفیت‌ها به نحو مطلوب از سوی دستگاه دیپلماسی، احزاب، پارلمان، حکومت و نهادهای مدنی کردستان در برابر همسایگانی که سیاست مثبت و دوستانه‌ای نسبت به کردستان ندارند، استفاده نشده است.

عملیاتی کردن و بازتاب موقعیت‌ها، ظرفیت‌ها و توانمندی‌های کردها طی چند دهه اخیر، تغییری اساسی در جایگاه، وزن و قدرت دیپلماسی آنان برای پیگیری و حل مشکلات منطقه‌ای و یافتن راهکار در زمینه‌های مختلف حقوقی را در پی خواهد داشت. بی شک لحاظ نکردن این مشکلات و عدم بررسی و تحلیل آنان در مراکز دانشگاهی، مطالعاتی، گروه‌های تحقیقی و اتاقهای فکر، همچون گذشته باعث تداوم ضعف دیپلماسی با کشورهای غیر دوست و دشمنان ملت کرد خواهد گردید.

لذا باید بر اساس ویژگی‌های فرهنگی، هویت تاریخی، پشتوانه مبارزاتی که ریشه‌ی آن در ارزش‌های انسانی و دارای خصلت جهانشمولی بوده، گفتمان دیپلماسی مسالمت‌آمیز را بنیان

نهاد. در کنار اراده و ایمان ملی به مقاومت، حفظ و حراست هویت و ماهیت صلح‌آمیز تاریخ و مبارزه کردها، پراکندگی و تنوع سرزمینی با ویژگی‌های مدارا، همزیستی مسالمت‌آمیز تاریخی و مبارزات که روحیه دفاع و حفظ سرزمینی خارج از تجاوز به سرزمین‌های دیگر از ویژگی‌های اصلی و اساسی این گفتمان می‌باشد. مبارزات تاریخی برای آزادی و عدالت از سرمایه‌ها و ثروت‌های معنوی این ملت می‌باشد. این عناصر و توانمندی‌ها در کنار میراث تاریخی و انسانی و توجه به وحدت، همگرایی، سرنوشت و درد مشترک تاریخی، تقسیم شدن سرزمین و تحمل دردها و رنج‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی از عناصر سازنده برای شکل‌گیری یک دکترین و استراتژی ثابت و پدییی کردها برای دفاع از کيان و هویت خود خواهد بود.

تدوین این استراتژی با محوریت هویت و تاریخ انسان و جامعه کردی در سرزمین‌های خود با نگاهی نوین به آیین‌های کردها، همچون چراغ راه، برای تداوم راه پر دشوار ماندن و مبارزه در برابر ارتجاع و دسیسه‌های دشمنان برای نابودی کردها خواهد بود. از سوی دیگر این دکترین در روند حرکت خود می‌تواند به شناسایی و پیگیری بیشتر توانمندی‌ها، ظرفیت‌ها و حفظ جایگاه خود در یک منطقه بحران‌زده و غیر دمکراتیک منجر شود.

وجود ماهیت عقیدتی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی در کنار سیاست‌های توسعه‌طلبانه و تخریبی که برآمده و ادامه همان سیاست " صدور انقلاب اسلامی" رژیم دینی می‌باشد، در عمل دشواری‌های بسیاری را برای همسایگان خود به صورت عام و نیز برای کردها به صورت خاص در روابط سیاسی و دیپلماتیک به وجود آورده است.

جمهوری اسلامی ایران که به دنبال انقلاب سال ۵۷ ملت‌های

ایران، که اساساً یک انقلاب و خواست تاریخی برای رسیدن به آزادی، عدالت، پیشرفت، برابری و حاکمیت قانون بود. به دلایل بی‌شمار که در اینجا لازم نیست به آنان اشاره شود، به دست روحانیون و اسلامگرایان افراطی

رژیم برآمده از این انقلاب، بر اساس تئوری ولایت فقیه خمینی، منجر به یک نظام اسلامی با ماهیت ایدئولوژیک و اقتدارگرایانه گردید. این در حالی بود که رژیم دینی اقتدارگرا، وارث یک رژیم استبدادی سلطنتی بر اساس شونیسم ایرانی بود. نظامی سلطنتی که در عمل و تفکر، منکر و مخالف سایر هویت‌ها و ملیت‌ها بود.

دستگاه سیاسی و دیپلماسی کردها در بهره‌گیری از مزیت‌های جغرافیایی، حاکمیت سرزمینی، عناصر هویتی، گستردگی مبارزاتی و بسیاری دیگر از عناصر پویا و دارای پتانسیل برای شکل‌دهی به یک دیپلماسی موفق و راضی‌کننده، ناتوان بوده است.

تفسیر آن از سایر هویت‌ها و ملت‌ها بسیار نامتوازن و تحقیرگرایانه بود. بر اساس رؤیای ایران باستان در صدد حاکمیت و اقتدار بر دیگران بر اساس نفی، انهدام و هضم آنان در درون خود، تحت عنوان یک کشور یک ملت بود.

رژیم دینی که وارث و جانشین این نظام و تئوری بیمارگونه‌ی آن بود.. بر اساس قرائت دینی، بحث امت اسلامی را که مخالف و نفی‌کننده دیگر هویت‌های ملی - زبانی در برابر اسلام می‌باشد، دنبال کرد که به نوعی تداوم و تعبیری دیگر از همان تئوری و تفکر ایرانگرایی باستان مورد نظر دستگاه سلطنت در ایران به شکلی دیگر، لیکن با همان ابزارهای سرکوب و اختناق سیاسی می‌باشد.

با این وضعیت، به دلیل پراکندگی جمعیت شیعیان در کشورهای

چندی از خاورمیانه، این پروژه و رؤیای اسلام‌گرایان سیاسی شیعه تحقق‌پذیرتر گردید. خمینی، انقلاب خود را ادامه‌ی نهضت انبیا به طور عام و نهضت عاشورا به طور خاص می‌دانست. لذا با پیش کشیدن بحث صدور انقلاب، چشم به جهان اسلام دوخت. در این مسیر تلاش کرد تا با حمایت از جنبش‌ها و حرکت‌های اسلامی،

خود را در ضدیت با غرب، حاکمان اسلام سنی و اسرائیل بازتعریف نماید، اما در عین حال، شعار وحدت جهان اسلام را سر می‌داد. بر این اساس عمق استراتژیک خود را بیرون از جغرافیای ایران مشخص و تعریف نمود. برای تحقق این منظور، به ابزارهای نظامی، امنیتی، سیاسی، مذهبی،

و تداوم سیاستی موفق و پیشرو که معطوف به جامعه دمکراتیک و دستیابی به منافع ملی باشد، بسیار دشوار و پیچیده می‌باشد.

به ویژه اینکه در این میان، کردها به صورت عام و حکومت منطقه‌ای کردستان به دلایل بسیار با دشواری‌ها و مشکلات بی‌شمار در روابط سیاسی و دیپلماتیک با همسایگان خود و نظام دینی ایران به صورت خاص درگیر و مواجه خواهد بود، چرا که در امور سیاسی، کردها چه به صورت جنبش مبارزاتی و چه به صورت تجربیات کوتاه و نوین در دوران معاصر، بر یک رویه‌ی سکولار و غیر دینی در حکومت و امور سیاسی تأکید و پاور دارند.

هر چند که در طی مبارزات خود در عمل نتوانستند از ساختارهای سنتی و مناطق جغرافیایی خود که به نوعی بازمانده‌ی دوران امیرنشین‌های کرد می‌باشد عبور نمایند.

به نوعی می‌توان گفت: کردها به دلایل متعدد داخلی و خارجی نتوانستند ساختار و شکل یک دولت متحد بر اساس یک ساختار

دهد، از دلایل و عوامل اصلی و اساسی برای ناکارآمدی، شخصی شدن دیپلماسی، حزب‌گرایی، دید منطقه‌ای و خرد، سیاست‌های گذرا، عدم غایت‌گرایی در سیاست و شکل‌گیری نوعی سردرگمی است که در نهایت رقابت و انحصار منافع در چارچوب تنگ منافع حزبی و شخصی را به دنبال خواهد داشت.

طی این سال‌ها نظر به وزن و دخالت جمهوری اسلامی ایران در سیاست‌ها، مناسبات و ارتباطات با حکومت منطقه‌ای کردستان در بخش‌های مختلف، کردها در این جغرافیا و بخش‌های دیگر کردستان فاقد نمره‌ی مناسب و راضی‌کننده می‌باشند.

بر اساس وجود گسل‌های سنت - مدرنیت، احزاب - جامعه مدنی و زمینه‌های عدم شکل‌گیری یک قدرت متحد و یکپارچه در حکومت منطقه‌ای کردستان، دستگاه سیاسی و دیپلماسی کردها در بهره‌گیری از مزیت‌های جغرافیایی، حاکمیت سرزمینی، عناصر هویتی، گستردگی مبارزاتی و بسیاری دیگر از عناصر پویا و دارای پتانسیل برای شکل‌دهی به یک دیپلماسی موفق و راضی‌کننده، ناتوان بوده است.

این نتیجه و روند آن در عمل، باعث نارضایتی و اعتراض نیروهای سیاسی، برخی از شخصیت‌های سیاسی در داخل اقلیم کردستان عراق و در میان ملت کرد در سایر بخش‌های کردستان گردیده است. بی شک زمانی که یک استراتژی سیاسی چندجانبه‌گرایانه به دلیل وضعیت ملت کرد در کشورهای مختلف وجود نداشته باشد و مبارزات و نقاط مشترک و نیز آرمان ملی در سایر بخش‌ها را در استرا تژی خود لحاظ نکند، نمی‌تواند دارای یک استراتژی پایدار، کارآمد و نتیجه‌بخش در امر دیپلماسی و روابط سیاسی با کشورهایی باشد که بخشی از سرزمین و جمعیت آنان کردستان و کردها هستند.

ویژگی جنبش کرد در کرماشان و ایلام

سهراب کریمی

مشارکت کردستان جنوبی در مبارزات ملی-دمکراتیک کردها یکی از دغدغه‌های جنبش کردستان بوده و هست. این دغدغه تا بدانجا اهمیت پیدا می‌کند که بسیاری از فعالین کرد این موضوع را مهمترین مسأله‌ی کردستان میدانند، چرا که بدون مشارکت مناطق جنوبی در مبارزات ملی-دمکراتیک کردستان این جنبش نمی‌تواند به اهداف اصلی خود دست یابد. باید متذکر که گفتمان کردی در یگر مناطق کردستان جایگاه خود را تحکیم کرده و با صرف نظر از کاستی‌های تئوریک و عملکردی‌اش، حرکت تاریخی خود را پیش می‌برد. برای شناخت ویژگی‌های جنبش کردستان در مناطق کرماشان و ایلام و پیرامون آن لازم است ابتدا به دو موضوع پرداخته شود.اگر چه شکل‌گیری گفتمان ملی کرد ابتدا در میان نخبگان سیاسی و فکری روی می‌دهد و سپس در میان جامعه کردستان جای خود را باز می‌کند و در بازه‌های تاریخی که اندک فرصتی برای نفس کشیدن پیدا می‌کند به صورت قیام‌های اجتماعی-سیاسی خود را به دنیا معرفی می‌کند، اما سوال اساسی این است که چرا این امر در مناطق جنوبی کردستان با این سرعت تحکیم پیدا نکرده

است؟ البته بایدتوجه داشت که نشانه‌ها و حرکت‌های متعددی از خیزش کردستان جنوبی و پشتیبانی از جنبش کردستان در این مناطق قابل مشاهده است. اگر اساس و بنیاد جنبش کردستان و انگیزه آن را کنش برای ماندگاری و جاودانه ماندن جامعه‌ی کُرد بدانیم در این صورت ما می‌دانیم که خیزش‌های مذکور همان ادامه‌ی جنبش کردستان است که دارای دو ستون اصلی و یک کاتالیزور می‌باشد. یکی همان خواست جاودانگی ملی کردها که بنیانی فرهنگی و جمعی دارد که می‌توان در اعماق ادبیات و هنر کردستان آن را جستجو کرد که در لایلای ادبیات کهن کردی همچون "شاخوشین"، "بابا طاهر" و ادبیات فولکور قابل مشاهده است که با

احمد خانی این خواست ماندگاری، آشکارتر و عیان‌تر می‌گردد و روندی را شکل می‌دهد که سرمایه فرهنگی و ادبی کرد نامیده می‌شود و دیگری مقاومت در برابر استیلا و ویرانگری رژیم‌های اشغالگر است که کمر به نابودی ملت کرد بسته‌اند و ناخودآگاه هر کردی را تحت تأثیر قرار داده و بذر مقاومت در بطن اذهان جمعی و فردی کردها می‌کارد و نیز می‌توان به تبعیض و ستمگری و خفگان سیاسی حاکمیت نیز اشاره کرد که در واقع مخرج مشترک دیگر حرکت‌های آزادیخواهی در ایران هم می‌باشد، با این تفاوت که ستم سیاسی و اقتصادی در کردستان مضاعف است که این نیز ناشی از زیرساخت فاشیستی است که در تمام گفتمان‌های ایرانی



علیه ملیت‌ها وجود دارد که خود همچون کاتالیزور جنبش عمل می‌کند. بنابراین می‌توان گفت که از نظر ماهیتی خیزش ملی کردها در کرماشان و ایلام و حتی لرستان در واقع همان ادامه‌ی مبارزات ملی کردها در دیگر مناطق کردستان بزرگ است.اما همچنان که اشاره شد، تفاوت در شیوه‌ی تحکیم گفتمان جنبش کُردی در این مناطق است.اگر به تحولات فکری فعالان کرد در این منطقه نگاهی اجمالی بیندازیم، مشاهده می‌کنیم که نخستین کنش‌ها در مناطقی

روی داده است که مجال اندیشیدن برای فرد فراهم شده است که می‌توان به محافل ادبی و فکری و دانشگاه‌ها اشاره کرد که باید گفت دانشگاه مهمترین مکان پرداختن به مباحثی در این زمینه می‌باشد. در دانشگاه‌هاست که نخبگان کرد در سراسر کردستان خود را در برابر هم می‌بینند که شاید نسل‌هاست که چنین ارتباطی برای آنها فراهم نشده است که بیشتر با مقایسه لهجه‌های کردی شروع می‌شود.در اولین ارتباط احساسات را می‌بینید که گویا فراقی تاریخی و دردناک به پایان رسیده است و شروع زندگی اجتماعی و سیاسی دیگری که سال‌ها انتظار آن را می‌کشیدند این آشنایی‌ها بعد از دانشگاه اغلب به رفاقت‌های معناداری تبدیل می‌شود اما آیا این پیوندها می‌تواند به عرصه‌ی اجتماعی هم کشیده شود و به هراس و بی‌قراری ناشی از جدایی پایان دهد؟ شاید بتوان گفت این ویژگی و تفاوت خیزش کردها در این مناطق با دیگر مناطق کردستان می‌باشد. گفتمان ملی-دمکراتیک کردستان ایران در منطقه "مکریان" مفهوم‌بندی شده و و به دلیل محدودیت‌های سیستماتیک نتوانسته بود در بدو شکل‌گیری خود، به مناطق جنوبی کشیده شود

کرماشان در مسیر بازیابی هویت و جایگاه خود

پژمان شریعتی

کرماشان به دلیل موقعیت جغرافیایی و پهنه‌ی دشت مانند خود از دیرباز در مسیر تجاری شرق به غرب قرار داشته که این امر خود به گونه‌ای فزاینده و تصاعدی بر اهمیت استراتژیک این بخش از کردستان افزوده و می‌افزاید. همچنین در دوران قدرت‌گیری رضاخان که موازنه‌ی سیاسی متحول و بوروکراسی شبه‌مدرنی بر ایران حکمفرما گردید، با کشف منابع زیرزمینی و روزمینی جدیدی در این خطه، اهمیت کردستان – به ویژه کرماشان- برای مرکزنشیان و مرکزگرایان دو چندان شد.

از سوی دیگر، گسترش دامنه‌ی جنبش ملی کردها و شکل‌گیری قیام‌های متعددی در نقاط مختلف زاگرس که سرانجام در قالب جمهوری کردستان -۱۳۲۴- به تعالی خود رسید، اهمیت و جایگاه استراتژیک کرماشان در جنبش آزادیخواهی و ملی کردستان را روزبه‌روز عیان‌تر می‌کرد. مسائل مذکور سبب گردید تا مرکز برای حفظ منافع خود در کرماشان و سراسر کردستان ایران دست به اقدام‌هایی از جمله میلتاریزه کردن، آسیمیلیسیون فرهنگی، تغییرات جغرافیایی- مردمی، به زور کوچاندن و جای دادن دیگر ملیت‌ها در کردستان بزند و با سرکوب شدید و زینوساید گسترده‌ی کردها، تلاش‌های این مردمان را برای تحقق آرمان‌هایشان با شکست روبرو کند.

با روی کار آمدن رژیم اسلامی و برچیده شدن بساط سلطنت پهلوی، نه تنها از میزان و دامنه‌ی این سلطه‌گرایی، مرکزگرایی، سرکوب و فشار کاسته نشد، بلکه بر سقف فجایع مذکور افزوده شد. باید در نظر داشت که هر کدام از مسائل مطروحه خود نیاز به بحث، تحقیق و تفحص علمی دارد و در این جستار کوتاه قصد بر آنست که تنها به واکاوی برخی از مسائل در کرماشان بپردازیم به این امید که محققین و پژوهشگران به گونه‌ی جامع‌تری به این موضوعات بپردازند.

حکومت‌های مرکزگرای ایران طی تاریخ یکصد ساله‌ی اخیر همیشه سعی بر آن داشته‌اند که این حس را به مردم کرماشان القا کنند که منافع آن‌ها در مرکز رقم می‌خورد و آن‌ها می‌توانند در پیشبرد منافع خود با حکومت مرکزی سهیم باشند و به نوعی منافع مشترک بین مردم و حکومت مرکزی وجود دارد. اما حقیقتا واقعیت به گونه‌ی دیگری می‌باشد، پست‌های حساس و تأثیرگذار کرماشان در دست غیرکردهاست، سرمایه و منابع هنگفت طبیعی استان یا به صورت خام به مرکز فرستاده می‌شوند و یا در بازار جهانی به ارز بدل شده و به جیب مرکزنشینان می‌رود. در مجموع می‌توان گفت که منابع و ثروت کرماشان در راستای بهبود سطح زندگی، سعادت و رفاه مردم این سرزمین صرف نشده و بودجه‌ای که سالانه برای این استان تعیین می‌شود در مقیاس منابع گسترده‌ی کرماشان بسیار ناچیز می‌باشد. شعارهای دهن پرکن بان‌ایرانیست‌ها در حالییست که کرماشان یکی از توسعه نیافته‌ترین استان‌های ایران بوده و همیشه طی یک قرن اخیر جز ده استان محروم با بیشترین نرخ بیکاری و خودکشی بوده است.

طی دهه‌های اخیر حکومت مرکزی ایران توانسته است که تا حدودی در اجرای برنامه‌های فاشیستی و ریاکارانه‌ی خود موفق عمل کرده و اقشار مختلفی را رو به مرکز سوق دهد. اقشار مذکور در این اندیشه‌ی خام غوطه‌ور بوده‌اند که می‌توانند به جستجوی منافع خود در مرکز دست بزنند و به نحوی در چارچوب اصلی حکومت سهیم باشند. اما می‌توان گفت که این مرکزگرایی و کشش ناآگاهانه در سیاست‌های کلی رژیم اسلامی به مانند سرابی می‌باشد که هرچه بیشتر بدان نزدیکی می‌شویم، سبب دور افتادن از هویت و منحرف شدن از مسیر تحقق منافع شهروندان این آب و خاک می‌شود.

خوشبختانه می‌توان گفت در سال‌های اخیر ملت کرد بیش از پیش نسبت به این جذبه‌های پوچ، واهی و سراب گونه رژیم آگاه شده‌اند و کمتر در مسیر این سیاست فریبکارانه و سراب‌گونه قرار می‌گیرند و دیگر اعتماد خود را نسبت به مرکز از دست داده‌اند.

سیاست‌های استثماری حکومت مرکزی ایران طی سالیان سال چیزی جز عقب‌افتادگی، توسعه‌نیافتگی و فقر گسترده چیز دیگری برای کرماشان در بر نداشته و ضربات سنگینی را از لحاظ هویتی-روانی بر این جامعه وارد کرده است که منجر به آن شده که از سویی مردم این دیار در خلائی از ناامیدی و سردرگمی سیر کنند و از سویی دیگر از جنبش هویتی و ملی در کردستان دور بمانند و جایگاه خود را در این جنبش گم کنند. بطور خلاصه می‌توان گفت سردرگمی و انفعال نسبی کرماشان در جنبش ملی-دمکراتیک کردستان حاصل این تجربه ناخوشایند و بی‌ثمر می‌باشد.

اما نکته‌ی مثبت این تجربه آن بوده که امروزه نسل نوین کرماشان با در نظر گرفتن و درس گرفتن از نسل‌های گذشته بسیار آگاهانه‌تر و در چهارچوبی کاملاً ملی برای احقاق حقوق حقه‌ی خود، به خویشتن و ملتشان اتکا نموده‌اند.

سیدمحمد میرمحمدی، استاندار یزد، در نخستین نشست خبری سال ۹۵ اظهار داشت: آب از ضرورت‌های پایداری جمعیت، اقتصاد، توسعه و فرهنگ در سراسر کشور است، بنابراین پیگیری بحث انتقال آب از

استاندار یزد: آب کارون را می‌بریم به کسی هم ربطی ندارد

دهه‌هاست که منابع استراتژیک آبی زاگرس بدون در نظر گرفتن خواست و منافع مردمان این مناطق به استان‌های مرکز ایران منتقل شده و زاگرس کمترین بهره‌مندی را از وجود این منابع به خود می‌بیند.

طرح‌های متعدد رژیم برای انتقال آب زاگرس به مرکز با همکاری کره جنوبی

"حمید چیت چیان" بهره برداری از سد و انتقال آب از "بهشت آباد" به سه استان فارس زبان (کرمان، یزد و اصفهان) را از استراتژیک‌ترین بخش‌های مفاد این تفاهمنامه‌ها دانست که دارای بیشترین اولویت اجرایی می‌باشد. قابل ذکر است که طی سال‌های ۹۲-۹۳ تظاهرات‌های گسترده

ایران و کره جنوبی ۱۵ تفاهمنامه همکاری آب و برق امضا می‌کنند. وزیر نیروی رژیم ایران از زمینه‌های گسترش همکاری‌های سئول- تهران در زمینه‌های آب و برق خبر داد و امضای ۹ تفاهمنامه همکاری در حوزه‌ی انتقال را اصلی‌ترین بخش عقد این تفاهمنامه‌ها دانست.

آلودگی وسیع آب آشامیدنی به کرماشان هم رسید

بهداشتی و حکومتی استان در ابتدا حاضر به پذیرش این آلودگی نشدند، اما بعد از گذشت چند روز و مسمومیت گسترده شهروندان، نهایتا معاون بهداشت دانشگاه علوم پزشکی استان کرماشان در گفتگویی با خبرگزاری مهر اعلام کرد که ویروس نورواک عامل مسمومیت شدید آلودگی آب شرب استان است.

مسمومیت بیش از سیصد نفر از شهروندان "اسلام آبادغرب" طی روزهای گذشته و انتقال گسترده‌ی آن‌ها به بیمارستان‌های سطح شهر، مردم کرماشان را نیز به هراس انداخته است، به همین خاطر تا

به نقل از شهروند-خبرنگاران کرماشانی، مردم این شهر به دلیل آلودگی شدید آب شرب ساعت‌ها آب آشامیدنی مورد نیاز خود را جوشانده و سپس آن را مصرف می‌کنند. برخی گزارش‌ها حاکیست، دلیل آلودگی آب شرب در کرماشان، ورود فاضلاب شهری به آن است، لیکن دکتر ابراهیم شکیبا، معاون بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی کرماشان در گفتگو با خبرگزاری مهر، این خبر را تکذیب نموده است. قابل ذکر است که طی هفته‌های گذشته نیز در بی آلودگی وسیع آب شرب هرسین و اسلام‌آبادغرب، مقامات

دو جوان کُرد در نقده به ۱۷ سال

حبس محکوم شدند



دستگاه قضایی رژیم ایران، حکم به حبس تعزیری ۲ جوان کرد در شهر "نقده" واقع در استان ارومیه داد. به گزارش آژانس خبرسانی کُردیا، اواخر هفته ی گذشته دادگاه انقلاب شهرستان نقده، لقمان بالکی فرزند علی و اسلام مصطفی پور فرزند مامند را به ترتیب به تحمل ۱۱ و ۶ سال زندان محکوم کرد.

شهروندان کردی که احکام اولیه ی آنان صادر گردیده، پاییز سال گذشته در شهر نقده بازداشت و برای مدت ۳ ماه در بازداشت اداره کل اطلاعات

ارومیه نگهداری شده بودند.

در مدت یادشده خانواده های آنان هیچ اطلاعی از سرنوشت فرزندانشان نداشتند تا اینکه در اواخر سال گذشته به زندان مرکزی نقده انتقال یافتند.

خبرنگار کُردیا در ادامه اعلام کرد: لقمان بالکی ۳۲ ساله که از اهالی روستای "گرگول سفلی" از توابع پیرانشهر است دارای همسر می باشد و اسلام مصطفی پور ۲۶ ساله اهل روستای "جیانه" است.

برپایه گزارش ارسالی، این دو شهروند کُرد از داشتن وکیل محروم

شده و ستادخبری در روند دادرسی نیز دخالت و اعمال قدرت کرده و پرونده ی قضایی آنها را "امنیتی" ارزیابی نموده است.

بیشتر نیز آژانس کُردیا گزارش داده بود که مأموران امنیتی رژیم در شهرهای مریوان، میاندوآب و بوکان طی ۱۰ روز اخیر اقدام به بازداشت ۸ شهروند کرد نموده اند.

طی یک سال گذشته (۱۳۹۴)، ۷۳۴ شهروند کُرد در استان های کُردستان ایران بازداشت شده اند که حکم زندان ۶۳ نفر قطعی شده است.

رژیم ایران، در صدر ناقضان آزادی

مذهبی در جهان

کمیسیون بین المللی "آزادی مذهبی" در آمریکا گزارش سالانه خود را در زمینه وضعیت آزادی مذهبی در کشورهای مختلف منتشر کرد. در این گزارش نام جمهوری اسلامی در صدر ناقضان آزادی های مذهبی قرار دارد.

در این گزارش تأکید شده است: وضعیت آزادی مذهبی در ایران طی سال گذشته، هم چنان وخیم بوده

است. آزار و اذیت و محدودیت های شدید علیه مسلمانان سنی، مسیحیان و بهائیان اعمال شده است.

گروه های مدافع حقوق بشر موارد بیشتری از آزارهای جسمی و ضرب و جرح مسیحیان در زندان را گزارش کرده اند. تعداد مسیحیان زندانی تا

اردیبهشت ماه، به ۹۰ نفر رسیده است.

در گزارش کمیسیون بین المللی

"آزادی مذهبی" در آمریکا آمده است: در چند سال اخیر چندین وکیل مدافع به دلیل دفاع از بهائیان و مسیحیان، از سوی دادگاه های رژیم ایران به حبس و مجازات محکوم شده اند.

مقاماتی که مسئول نقض حقوق بشر و آزادی های مذهبی در ایران هستند، از ورود به آمریکا محروم هستند و دارایی های آنها نیز مسدود شده است.

رئیس زندان گوهر دشت میان

زندانیان، مواد مخدر توزیع می کند



داریوش امیریان، رئیس زندان گوهر دشت کرج از طریق باند وابسته به خود مشغول توزیع مواد مخدر در میان زندانیان است.

به گزارش "فعالان حقوق بشر و دمکراسی در ایران" پس از آن که یکی از اعضای یک باند مافیایی در زندان گوهر دشت به نام شاهین حبیبی در هنگام فروش مواد مخدر بازداشت گردید، آشکار شد که رئیس این باند، خود داریوش امیریان، رئیس زندان است.

داریوش امیریان، از مهره های فعال وزارت اطلاعات رژیم بوده و به گفته ی زندانیان زندان گوهر دشت کرج، تمامی اقدامات نامبرده به دستور مقامات بلندپایه ی وزارت اطلاعات و تحت نظارت آنان انجام

گرفته است.

یکی از سیاست های ضد انسانی رژیم جمهوری اتلامی علیه جوانان و به ویژه دگردیشان زندانی، انداختن آنان به دام بلای خانمانسوز اعتیاد است. این امر از طریق تشکیل باندهای گوناگون توزع مواد مخدر صورت می گیرد.

پس از اعترافات شاهین حبیبی، و بازگشت وی به درون زندان، امیریان با عصبانیت شدید، نامبرده را مورد حمله قرار داده و به وی گفته است: "فکر می کنی کسی می تواند از من بازخواست نماید؟"

سرنوشت نامعلوم زندانیان کرد در

زندان های اطلاعات رژیم

پیگیری نکند چرا که فعلاً میهمان آنهاست.

همچنین یک جوان ۲۴ ساله به اسم آوات شریفی در اداره ی اطلاعات سقر مورد شکنجه قرار گرفت.

این شهروند ۱۴ روز پیش که در مغازه ی خود بوده، به ستاد خبری احضار و سپس دستگیر شد.

یک فعال سرشناس سیاسی ضمن تأیید این خبر اعلام کرد، وضعیت جسمانی وی بسیار نامساعد می باشد.

رضا شریفی بوکانی در صفحه ی فیسبوک خود نوشته: "آوات از بازداشتگاه اطلاعات آزاد شده، منتها بر اثر شکنجه ی شدید، توانایی کنترل ادرار خود را هم ندارد".



مراجعه نموده است.

آنان در جواب همسر سامان، به او گفته اند که مطلع شدن از وضعیت سامان، به شرط همکاری امنیتی صورت می گیرد.

بر اساس گزارش مزبور، این شهروند کرد مورد هتک حرمت و تهدید قرار گرفته و به همسر وی گفته اند که وضعیت شوهرش را

وزارت اطلاعات برای در اختیار گذاشتن اطلاعات در مورد زندانیان کرد، از خانواده ها درخواست همکاری امنیتی می کند.

به گزارش آژانس خبرسانی کُردیا، از طرف اطلاعات شهر ارومیه از خانواده ی سه نفر از زندانیان کرد درخواست همکاری امنیتی شده است.

این سه شهروند کرد به نام های سامان چیره، محسن کربلایی و محمد یوسفی، بیست و سوم اردیبهشت ماه امسال در راه مهاباد به میاندوآب بازداشت شدند.

گزارش مزبور حاکیست که چندی پیش همسر یکی از زندانیان به منظور کسب اطلاع از وضعیت سامان به اداره اطلاعات ارومیه



چنین خانواده ای اگر پی ببرند که زن یا دخترشان با موهای از روسری بیرون آمده در اماکن تفریحی تردد می نماید، جهاد اکبر را علیه وی به اجرا درمی آورند! چنین زنی که بدنش از زیر روبوش عیان شده، در اروپا دیگر خانواده اش نمی توانند زندگی را برایش جهنم سازند، زیرا اگر پلیس از ماجرا مطلع شود به سختی مجازات خواهند شد، لیکن در این سوی جهان، زن از ترس یا به هر دلیل دیگری به خانواده اش کمک خواهد کرد تا وی را تبدیل به برده ی پنهانی نمایند.